

گاهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

شماره ۵۷

همگامی

عوامل پایداری ازدواج (۳)

صحبت یک عمر

هفته‌نامه‌ای ویژه در رابطه با ازدواج



پاییز ۱۴۰۴

گاهنامه همدم

صاحب امتیاز: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

مدیر مسئول: فاطمه قربانی زاده

سر دبیر: امیررضا الهی

هیئت تحریریه: فاطمه سادات سجاد حسینی - فاطمه قربانی زاده

طراحی و صفحه آرایی: آنتیا نیکنام - امیدرضا توفیقی

استاد راهنما و ناظر متون: خانم دکتر ناهید یعقوبیان

گاهنامه سیاسی - اجتماعی - فرهنگی پاییز ۱۴۰۴ شماره ۵۷

دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری

دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

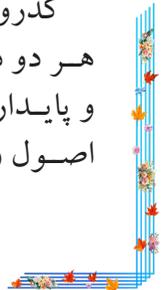


عوامل پایداری ازدواج (۳)

هر زمان قراره در جایی از سادگی و بی شیله پیله بودن یاد بشه، عنوان دانشجویی در کنارش می درخشه، از غذای دانشجویی گرفته تا زندگی دانشجویی و خب ازدواج دانشجویی هم از این قاعده مستثنی نیست.

ازدواجی که اولین تلنگرهای محبت در آن در دانشگاه و لابه لای درس و مشق و کلاس ها اتفاق میفته و خاتمه اش هم به ازدواجی می رسه که اصطلاحاً بهش ازدواج دانشجویی می گن.

گذرونیدن روزهای سخت و آسون در کنار همدیگه در حالی که هر دو دارن برای یک هدف کنار هم تلاش می کنن موجب دوام و پایداری بیشتر این مدل ازدواج ها میشه، البته با توجه به رعایت اصول و مواردی که در هفته نامه های قبلی بهش پرداختیم!



۱. واقع بینی



خب اگر طرفین ویژگی
واقع بینی رو در خودشون
پرورش داده باشند و انتخاب
هیجانی نکرده باشند، واقع بینی
در این مدل ازدواج
حضور پررنگی داره
چون طرفین خوب
می دونن شخصی
که انتخابش کردند
و این نوع ازدواج
چه شرایطی داره.

از جایگاه تحصیلی و
شرایط اجتماعی آینده
همدیگه تا حد زیادی
آگاهی دارند و بسیاری از
اخلاق های اجتماعی فرد رو
دیدن و بهش شناخت دارند.

به علاوه با کمک مشاورین
می تونن خیلی بیشتر همدیگه رو بشناسن و موقعیت هم برای شناخت
فرد در شرایط مختلف مثل عصبانیت و خوشحالی یا موفقیت و
شکست و... بسیار فراهمه.

تمام این شرایطها در کنار زمان و دقت و توجهی که فرد برای شناخت طرف مقابل اختصاص میدهد می‌تونه کمک کنه تصمیم فرد یک تصمیم معقولانه و واقع‌بینانه باشه.

۲. خودشناسی

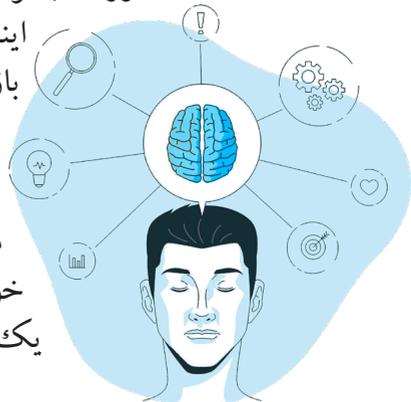
میشه گفت دوران دانشجویی یکی از بهترین زمان‌ها برای پرداختن و تفکر راجب خودمون و رسیدن به خودشناسیه.

این خودشناسی خیلی به ما کمک می‌کنه تا بتونیم روی کم و کاستی‌های شخصیت خودمون کار کنیم و تا حد توان تلاش کنیم رشد و توسعه فردی داشته باشیم.

این توسعه فردی فقط درباره‌ی مسائل بیرونی مثل تحصیلات و نمرات و غیره و ذلک نیست، بلکه راجب مسائل درونی مثل اخلاقیات و روحیات مون هم هست.

دوران جوانی یکی از بهترین زمان‌ها برای اینه که اخلاقیات و روحیات مون رو بازبینی کنیم و هر جاشو که لازمه بکوئیم و از نو بسازیم.

هرچند که باید بپذیریم این مسیر خودشناسی و بعد از اون خودسازی مسیر طولانی هست و یک‌شبه اتفاق نمیفته و هرکسی هم



مسیر منحصر به فرد خودش رو برای رشد و توسعه درونی داره. این خودشناسی یک مزیت دیگه هم داره و اونم اینه که وقتی خودت رو خوب بشناسی اون وقت می تونی تشخیص بدی فرد مناسب تو برای تشکیل خانواده باید چه مدل شخصیتی داشته باشه. پس تازه بعد از این خودشناسی و شناخت خودت و ارزش هات می تونی معیارهای همسر آینده ت رو دسته بندی و مشخص کنی و در نتیجه این خودشناسی بهت کمک می کنه تا بتونی هم کفو خودت رو بشناسی و انتخاب کنی.

گفتیم که دوران دانشجویی و دهه سوم زندگی آدم ها یکی از بهترین زمان ها برای خودشناسی تا بعداً ازش برای خودسازی استفاده کنیم.

یکی از قشنگی های ازدواج دانشجویی اینه که طرفین نه تنها برای شناخت هم زمان می دارن بلکه می تونن به هم در جهت رشد شخصیت شون کمک کنن و در کنار هم خودسازی کنن.

از این جهت که هنوز جوهره شخصیت انسان در جوانی مثل موم نرم و انعطاف پذیر هست و مثل سنگ سخت نشده، طرفین خیلی راحت تر می تونن خودشون رو برای همدیگه و برای



زندگی مشترک شون بسازن و به شکل هم در بیان و مکمل همدیگه بشن.

چون این دوره انسان پذیرش بیشتری نسبت به کاستی‌های خودش داره و شور جوانی اونو به تکاپو برای رشد حرکت میده.

افرادی که در این دوره تشکیل خانواده میدن خیلی راحت‌تر به دنبال آموزش و یادگیری میرن و نسبت به این مسئله که باید برای زندگی مشترک آموزش دید و مهارت کسب کرد کمتر گارد دارن.

در سنین بالاتر تغییر سخت و حتی غیرممکن میشه و شخصیت‌ها چنان شکل گرفته و پایدار شده که حتی خود فرد بخواد نقصی رو در خودش بپذیره و تغییر بده با چالش‌های بیشتری مواجه هست، چه برسه که اصلاً نخواد تغییر رو بپذیره (که اکثراً هم در سن بالا پذیرش تغییر سخت‌تر هست).

در اون صورت اینکه دو نفر در سن بالا بخوان تازه تشکیل خانواده بدن باید پذیرن که تا حد زیادی هر کسی در گارد خودش هست و انعطاف‌پذیری سخت‌تره.

البته که استثنا هم هست اما هیچ کس منکر این نمیتونه باشه که جوانی، به‌ویژه دهه سوم زندگی، دوره انعطاف و رشد و تغییره و دهه چهارم اکثر اخلاقیات تثبیت و تغییرناپذیر شدن.



۳. سواد مالی

خب قطعاً یک انسان در دوران دانشجویی استقلال مالی ای که یک فرد فارغ التحصیل شده داره رو نداره.

البته هستن افرادی که از دوران نوجوانی در کنار درس به فکر یاد گرفتن مهارت و هنر هم بودن و از همون دوران نوجوانی شروع به درآمدزایی کردن و در دوران دانشجویی هم درآمد خودشون رو دارن و مستقل هستن.

اما خب تعداد این افراد در نسل جدید کمتره چون خانواده های نسل جدید اکثراً از بچه هاشون بیشتر توقع درس خوندن و نمره خوب و رشته خوب آوردن دارن و زیاد به درآمدزایی و کسب هنر و مهارت در بچه ها بهانه نمی دن؛ از نگرانی اینکه به درس شون لطمه نخوره!

اما خیلی مهمه که فرد در دوران دانشجویی سواد مالی رو آموزش ببینه و مهارتی هم در کنار درسش یاد بگیره یا در همون رشته ای که در حال تحصیله کسب مهارت کنه تا بتونه از همون دوران دانشجویی درآمدزایی داشته باشه.



یادگیری مهارت سواد مالی بعدها پایه گذار تصمیمات مالی مهمی در زندگی فرد میشه و باعث میشه بهتر بتونه شرایط اقتصادی خودش و خانواده ای رو که تشکیل میده مدیریت کنه.



۴. بلوغ عاطفی و عقلی

از طرفی در این زمان کم کم باید بر روی رسیدن به بلوغ عاطفی و عقلی هم کار کرد.

این هم نوعی خودسازی و از مهم‌ترین خودسازی‌هاست که اگر فردی متوجه شد در اون لنگ می‌زنه باید پذیره و روی خودش کار کنه تا از لحاظ عاطفی به دیگران وابسته نباشه و اجازه نده کسی از طریق احساسات و هیجاناتش اونو کنترل کنه و تصمیمات عاقلانه‌شو تغییر بده.

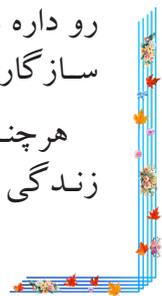


از طرفی رسیدن به بلوغ عقلی هم نیازمند انداختن خود در چالش‌های زندگی و قرار گرفتن در موقعیت‌های مختلف زندگی است؛ به طوری که فرد تلاش کنه هم درست تصمیم بگیره، هم درست مدیریت کنه و هم در این تصمیم‌ها و مدیریت‌ها به دیگران وابسته نباشه!

(می‌دونی دیگه که کمک گرفتن و مشورت با وابسته بودن به نظر و حضور دیگران خیلی فرق داره!)

ازدواج دانشجویی تصمیمیه که چالش‌ها و مشکلات خاص خودش رو داره و همه افراد هم روحیات‌شون با چنین شکلی از ازدواج سازگاری نداره.

هرچند که این سازگاری و صبور بودن خودش از مهارت‌های زندگی مشترک هست که باید یاد گرفته بشه و شاید به همین دلیل

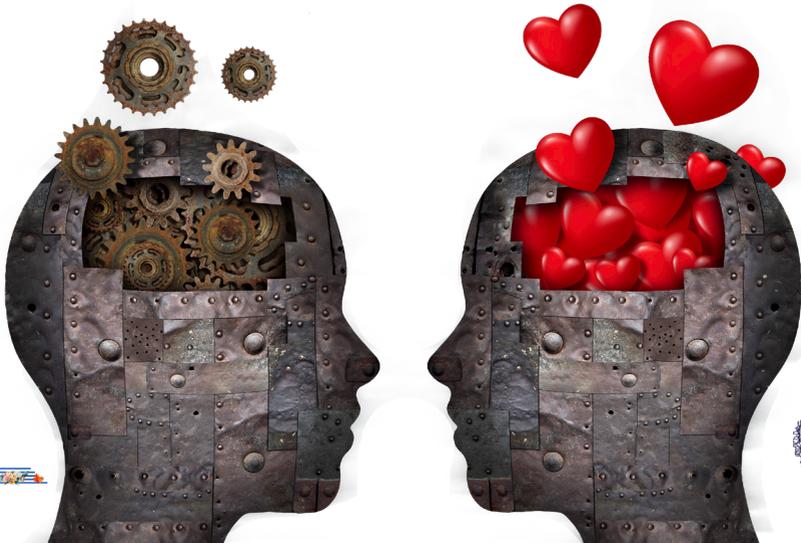


هم هست که ازدواج‌های دانشجویی ثبات و پایداری بیشتری دارند، چونکه هر فردی سمت این انتخاب نمی‌ره و اون کسانی هم که چنین مدل ازدواجی رو انتخاب می‌کنن، صبوری و سازگاری بالایی رو در خودشون و طرف مقابل‌شون دیدن که تونستن محبت بین‌شون رو به ثمره‌ی والا و ارزشمندی به نام ازدواج و تشکیل خانواده برسونن و به قول معروف مرد راه باشند و جا نزنن!

در شرایطی که دو طرف هیچ‌کدوم به درآمد مکفی و جایگاه ثابتی نرسیدن، فقط یک علاقه قلبی و واقعی بین زن و شوهره که اون‌ها رو کنار همدیگه نگه می‌داره و حتی سختی‌ها رو براشون شیرین می‌کنه.

شاید ازدواج دانشجویی از این جهت پیوند قرص و محکمیه که دو نفر در شرایطی همدیگه رو می‌بینن و با هم آشنا می‌شن که جایگاه اجتماعی و به‌خصوص موقعیت مالی خاصی ندارن و تحت تأثیر موقعیت مالی و اسم و رسم همدیگه قرار نگیرن.

و این به این معناست که شخصیت و منش همدیگه مهم‌ترین



ملاک اون‌ها برای انتخاب شریک زندگیه، پس گویا شرایط هم برای واقع‌بینی نسبت به شخصیت طرف مقابل بیشتر فراهمه و از طرفی چون زندگی رو از صفر کنار همدیگه می‌سازن، اون زندگی مشترک براشون یادآور تلاش‌های دونفریه که به ثمر رسیده و براشون قدر و ارزش و حتی لذت بیشتری هم داره.

حالا که به بررسی عوامل مؤثر بر پایداری ازدواج و همچنین به صورت اختصاصی به ازدواج دانشجویی پرداختیم، در هفته‌نامه بعدی به بررسی موانع ازدواج می‌پردازیم.

